

ادبیات انقلاب اسلامی

اهداف کلی فصل :

- ۱- آشنایی با جلوه‌هایی از ادبیات انقلاب اسلامی ایران
- ۲- آشنایی با نمونه‌هایی از آثار ادبی انقلاب اسلامی
- ۳- آشنایی با برخی از پدیدآورندگان ادبیات انقلاب اسلامی
- ۴- توانایی بخشیدن به دانش آموز در بررسی و تحلیل آثار ادبی انقلاب

اسلامی



درآمدی بر ادبیات انقلاب اسلامی

«شعر»

انقلاب اسلامی، مانند هر رویداد بزرگ دیگر، در فضای فرهنگی و سیاسی جامعه ایران دگرگونی‌هایی ایجاد کرد. از این رهگذر، ادبیات نیز همچون دیگر پدیده‌ها تحت تأثیر قرار گرفت. درون مایهٔ سروده‌ها، نوشته‌ها و داستان‌هایی که از سال ۵۷ تاکنون از فرهنگ انقلاب اثر پذیرفته و آفریده شده‌اند، مسائل زیر است:

۱- ستایش آزادی و آزادگی، جهاد، هجرت، شهادت و پاک‌بازی. ۲- محکوم کردن استبداد و بیداد، زیرپستی، اشرافیت، روحیهٔ دنیازدگی و ثروت‌اندوزی. ۳- مردم‌ستایی به‌ویژه مردم محروم و فداکار ایران. ۴- طرح اسوه‌های تاریخی به‌ویژه تاریخ اسلام مانند ابوذر، سلمان، مالک اشتر و چهره‌های مبارز و متفکر معاصر به‌ویژه حضرت امام خمینی، شهید مطهری، دکتر شریعتی، میرزا کوچک‌خان و ... ۵- بهره‌گیری از اساطیر، نمادها و شخصیت‌های حماسی شاهنامه و تاریخ ایران و تلفیق آنها با چهره‌های بزرگ و نمادهای تاریخ اسلام. ۶- حضور گستردهٔ فرهنگ اسلامی (آیات، روایات و مضامین دینی) در آثار ادبی به خصوص طرح فرهنگ عاشورا و فرهنگ انتظار (موعود). ۷- امیدواری و ترسیم افق‌های پیروزی برخلاف ادبیات یأس‌زده قبل از انقلاب.

شعر انقلاب اسلامی، چه در سال‌های آغازین انقلاب، چه در دوران هشت سال دفاع مقدس و چه پس از آن، سیر روبه‌رشدی را طی کرده و آثار موفق و ماندگاری را رقم زده است. شاعران انقلاب از حوادث جهانی نیز غافل نبوده‌اند و در میان آثار آنان، سروده‌هایی که ترسیم‌کنندهٔ رنج‌ها، دربه‌دری‌ها و مظلومیت مردم فلسطین، لبنان، بوسنی، افغانستان و دیگر ملت‌های مبارز و مسلمان است، فراوان به چشم می‌خورد.

شاعران عصر انقلاب، هم در قالب‌های سنتی به‌ویژه غزل، رباعی و دوبیتی و هم در قالب‌های نو مانند نیمایی و سپید طبع‌آزمایی کرده‌اند.

تحلیل و بررسی شعر انقلاب طی دو دههٔ گذشته، ضمن اینکه تصویری از تحولات فرهنگی و فکری جامعه به دست می‌دهد، آینه‌ای است که در آن می‌توان دغدغه‌ها، حساسیت‌ها و رویکرد شاعران این دوره را به خوبی و روشنی بررسی و مطالعه کرد.

مهرداد اوستا (محمد رضا رحمانی متولد ۱۳۰۸ بروجرد و در گذشته به سال ۱۳۷۰ در تهران) از شاعران قصیده سرای معاصر است. وسعت آگاهی، شناخت عمیق و گسترده از ادبیات، ذوق و قریحه سرشار و بیان توانمند شاعرانه، از او چهره‌ای ممتاز ساخته است. اوستا در قصیده طرحی نو در انداخت و زبان خشن آن را به زبان لطیف و نرم غزل نزدیک کرد. غزل‌های او نیز لطیف و تازه و پرجاذبه است. اوستا شاعری متعهد و دردآشناست که شعر خود را پیش از انقلاب و پس از آن، در خدمت ایمان و اعتقاد خویش قرار داده است. نخستین مجموعه شعر اوستا «از کاروان رفته» است. از دیگر مجموعه‌های او «پالیزبان» و «راها» را می‌توان نام برد. غزلی که می‌خوانید، از مجموعه «راها» برگزیده شده است.

از درد سخن گفتن

باز آمی که چون برک خزانم رخ زردی است
 بایاد تو دمساز دل من دم سردی است
 گر رو به تو آورده ام از روی نیازی است
 و درد سری می دهمت از سر دردی است
 از راهروان سفر عشق در این دشت
 گلگونه سرشکی است اگر راه نوردی است
 در عرصه اندیشه من با که توان گفت
 سرکشه چه فریادی و خونین چه نبردی است
 غمخوار به جز درد و وفادار به جز درد



جز درد که دانست که این مرد چه مردی است
از درد سخن گفتن و از درد شنیدن
با مردم بی درد ندانی که چه دردی است
چون جام شفق موج زند خون به دل من
با این همه دور از تو مرا چهره زردی است
زین لاله بشکفته در دامن صحرا
هر لاله نشان قدم راه نوردی است
یا خون شهیدی است که جوشد ز دل خاک
هر جا که در آغوش صبا غنچه وردی است

سیدحسن حسینی (در گذشت ۱۳۸۳) از شاعران انقلاب اسلامی است. او نخستین مجموعه شعر خود را با نام «هم صدا با خلق اسماعیل» در سال ۱۳۶۳ به چاپ رساند. «حمام روح» (ترجمه)، «براده‌ها» و «بیدل، سپهری و سبک هندی» از دیگر آثار اوست. دفتر شعر «گنجشک و جبرئیل» مجموعه سروده‌های عاشورایی حسینی در قالب شعر «سپید» است. سروده زیر از همین دفتر و در توصیف سردار رشید کربلا، ساقی تشنه کامان، الگوی جوانمردی و پاک‌بازی، ابوالفضل العباس (ع) است.

راز رسید

به کوته ماه نامت

زبانزد آسمان‌ها بود^۲

و پیمان برادری ات

با جبل نور^۳

چون آیه‌های جهاد،
محکم

تو آن راز رشیدی
که روزی فرات

بر لب‌ت آورد^۴

و ساعتی بعد

در باران متواتر پولاد

بریده بریده

افشا شدی



و باد

تو را با مشام خیمه گاه

در میان نهاد

و انتظار در بهت کودکانه حرم

طولانی شد

تو آن راز رشیدی

که روزی فرات

بر لب آورد

و کنار درک تو

کوه از کمر شکسته



توضیحات

- ۱- تنها راه‌نورد راه عشق، اشکِ گلگون است. شاعر، گونه را به دشت و اشک را به راه‌نورد این دشت تشبیه کرده است.
- ۲- همان گونه که «ماه» مشهور آسمان است (در اولین نگاه ماه را در آسمان می‌توان دید)، نام تو - حضرت عباس(ع) - نیز مشهور آسمان است. شاعر با ظرافت تمام به لقب «قمر بنی هاشم» اشاره دارد.
- ۳- پیمان برادری با جبل‌نور اشاره به وفاداری حضرت عباس نسبت به برادرش امام حسین(ع) است.
- ۴- حضرت عباس، پس از ورود به شریعه فرات، دست بر آب زد و آب را تا لبان خشکیده رساند اما وقتی به یاد تشنگی برادر و کودکان حرم افتاد، نتوانست آن را بیاشامد. شاعر با بیانی لطیف و بدیع به این نکته اشاره کرده است.
- ۵- به دنبال شهادت حضرت عباس، امام حسین(ع) فرمود: الآن قد انکسر ظهري؛ اکنون کمر شکست.



خودآزمایی

- ۱- تکرار همیشه ناروا نیست و گاه بر زیبایی و تأثیر سخن می‌افزاید. این ویژگی در کدام ابیات شعر اوستا بیشتر دیده می‌شود؟
- ۲- درباره «ایهام» لطیفی که در بیت هفتم شعر «از درد سخن گفتن» وجود دارد، توضیح دهید.
- ۳- بیت زیر از حافظ با کدام بیت غزل «از درد سخن گفتن» ارتباط معنایی دارد؟
با صبا در چمن لاله سحر می‌گفتم که : «شهیدان که اند این همه گلگون کفنان؟»
- ۴- در کلمه «محکم» در شعر راز رشید چه ایهامی دیده می‌شود؟
- ۵- مقصود شاعر از «و ساعتی بعد / در باران متواتر پولاد / بریده بریده / افشا شدی» چیست؟
- ۶- دو شبکه «مراعات نظیر» در آغاز و پایان شعر «راز رشید» بیابید.

درس چهاردهم

زنده یاد غلامرضا قدسی از شاعران غزل‌سرای انقلاب اسلامی است که با
زبانی گرم و گیرا وقایع و حوادثی را که طلیعهٔ انقلاب‌اند، وصف و ضبط کرده است.
ازجمله شعرهای زیبا و پرشور او غزلی است که پیش از انقلاب اسلامی و پس از شنیدن
خبر تیرباران شدن چند انقلابی‌مسلمان، در زندان، به یاد آن یاران شهید می‌سراید.
او در این سرودهٔ دل‌نشین که با تضمین بیتی لطیف از صائب به پایان می‌رسد،
وقوع انقلاب اسلامی را پیش‌بینی کرده است.

گل‌های چیده

بوی گل‌های چیده می‌آید
خونم از دل به دیده می‌آید
به تماشای غنچه‌های شهید
گل به رنگ پریده می‌آید



از غم داغ گل رخان، از خاک
لاله در خون تمیده می آید
نالہ های شراره خیز، به کوش
ز آهوان رمیده می آید
موجہ این محیط، طوفان زاست
گر به چشم آرمیده می آید
از پی هر شکست، پیروزی است
از دل شب، سپیده می آید
یت نغزی به خاطر «قدسی»
ز اوتادی گزیده می آید:
«در عدم هم ز عشق، بویی هست
گل، کریبان دریده می آید»

مشفق کاشانی (عباس کی منش) متولد ۱۳۰۴ از غزل سرایان انقلاب اسلامی است. از آثار او می‌توان به مجموعه شعرهای «صلای غم»، «منوی شباهنگ»، «شراب آفتاب» و «آذرخش» اشاره کرد. غزل مشفق سرشار از تصویرهای تازه است که با زبانی روان و مؤثر بیان می‌شود.

سایه خورشید

بر این کبود، غریبان زیتیم چون ابر
تمام هستی خود را گریتم چون ابر

ز بام دهر فرو ریختم ستاره به خاک
که من به سایه خورشید زیتیم چون ابر

زمین سترون و در وی نشان رویش نیست
فرازِ ریک روان چندانم چون ابر

حریر باورم از شعله ندامت سوخت
که بر کویر عطشناک، نیستم چون ابر

مرا به بود و نبود جهان چه کار، که داد
به باد فتنه، همه هست و نیستم، چون ابر

مگر بشویم، از این دل، غبارِ هستی را
بر آستانِ تو عمری کریم چون ابر



خودآزمایی

- ۱- در شعر «گل‌های چیده» چرا شاعر گل‌هایی را که برای تماشای شهید آمده‌اند، رنگ پریده توصیف می‌کند؟
- ۲- بیت زیر کدام آیه قرآنی را تداعی می‌کند؟

از پی هر شکست پیروزی است از دل شب، سپیده می‌آید

- ۳- در کدام بیت شعر «سایه خورشید»، شاعر از اینکه چون ابر باشد، ناراحت و گریزان است؟
- ۴- بیت چهارم شعر «سایه خورشید» را توضیح دهید.
- ۵- نهاد فعل «داد» را در بیت پنجم شعر «سایه خورشید» مشخص کنید.

سهیل محمودی (متولد ۱۳۳۹) از شاعران عصر انقلاب است و در غزل از زبانی نو بهره می‌گیرد. از جمله آثار او «دریا در غدیر» و «فصلی از عاشقانه‌ها» است. محمودی در غزل «کرامت آبی»، پایداری، وسعت دید و ایمان و پاک‌بازی مردم ایران را توصیف می‌کند. مردمی که چون صخره در مقابل طوفان‌ها ایستادند و به مدد عشق و ایمان، حماسه‌های بزرگ را رقم زدند.

کرامت آبی

دلم شکسته‌تر از شیشه‌های شربت‌نماست
شکسته باد کسی کاین چنیمان می‌خواست^۱

نما چقدر صبور و چقدر خشم‌آگین
حضورتان چو تلاقی صخره با دریاست

به استواری، معیار تازه بخشیدید
نمانه مثل دماوند، او به مثل شامت

بیا که از همه دشت‌ها سؤال کنیم
کدام قله چنین سرفراز و پابرجاست؟

به یک کرامت آبی نگاه دوخته اید^۲
کدام پنجره این کوزه باز، سوی خداست؟

میان معرکه لبخند می زنید به عشق
حماسه چون به غزل ختم می شود، زیباست

ثما که اید؟ صفی از گرگنی و غرور
که استقامت و خشم از نگاهتان پیدا است

اگرچه باغچه ها را کسی گلده کرده
ولی بهار فقط در تصرف گل هاست

تخلص غزل چیست غیر نام ثما؟
ز یمن نام ثما خود زبان من گویاست

زکریا اخلاقی (متولد ۱۳۴۱) از شاعران انقلاب است. مجموعه شعر او با عنوان «تبسم‌های شرقی» از توانایی اش در سرودن غزل حکایت دارد. غزل‌های اخلاقی سرشار از مضامین مذهبی، نگاه عارفانه و تصویرهای بدیع است. در غزل «سجاده سبز» نگاه عارفانه شاعر به بهار است و بهره‌گیری او از آیات و روایات به روشنی احساس می‌شود.

سجاده سبز

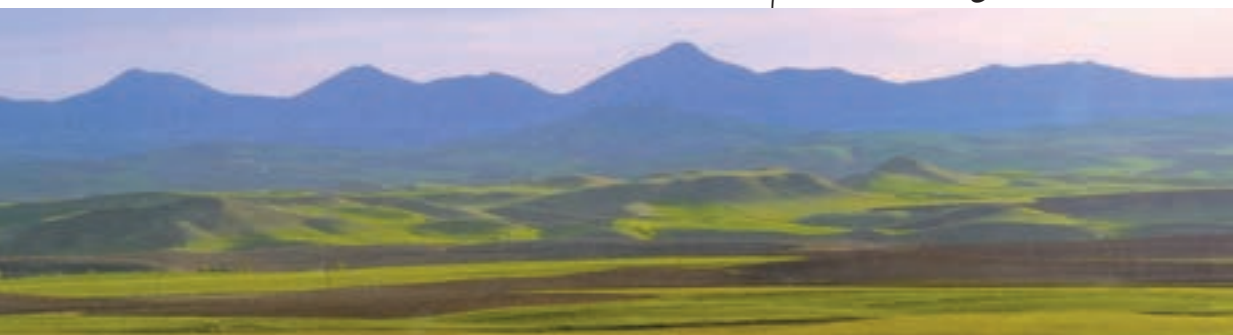
گل، دفتر اسرار خداوند گشوده است
صحرا ورق تازه‌ای از پند گشوده است

آئینه عریانی زیبای معانی است
این جله سبزی که خداوند گشوده است

شور سحر حشر، اگر باورتان نیست
گل مُصنّف صد برگ به سگند گشوده است

تقریرِ ادبیانه برهان معاد است
فصلی که نیم از پی اسفند گشوده است

تفسیر لطیفی است ز پاکِ دل کوه
این چشمه که از چشم دماوند گشوده است



بر سجدۀ احساس بنفشه است، نشانی
سجّادۀ سبزی که به الوند کثوده است

سرشار ز شیرینی شهد خوش خویش است
این غنچه که لب را به شکر خند کثوده است

پاک است طرب نامه خوش بوی سلوکش^۱
این گل که چنین چهره خرنس کثوده است^۲



توضیحات

- ۱- بیت اشاره به موشک باران شهرها در طول دوران دفاع مقدّس دارد.
- ۲- منظور از کرامت آبی، آسمان است. آسمان مظهر بخشندگی مادی و معنوی و نماد پاکی و قداست است. شاعر جامعه مسلمان ایران را چشم دوخته به لطف و رحمت الهی می داند.
- ۳- شادابی و شکوفایی و عطر گل نشانه آن است که سیر و سلوک گل، پاک و بی آلاش بوده است. شاعر گل را عارف سالکی می داند که در سیر و سلوکش موفق بوده است؛ زیرا گلبرگ هایش پاک و لطیف هستند.



خودآزمایی

- ۱- در بیت دوم شعر «سجّادۀ سبز» منظور شاعر از «حجّله سبز» چیست؟
- ۲- پیامبر فرمود: اذا رأیتم الرّیبع فاکثروا ذکر التّشور؛ هرگاه بهار را دیدید، قیامت را فراوان یاد کنید. این مفهوم در کدام ابیات «سجّادۀ سبز» دیده می شود؟
- ۳- در ششمین بیت شعر «سجّادۀ سبز»، بنفشه نماد چیست؟
- ۴- در دومین بیت غزل «کرامت آبی»، صخره و دریا نماد چه چیزهایی هستند؟
- ۵- بیت هشتم غزل کرامت آبی را توضیح دهید.
- ۶- بیت زیر از حافظ با کدام بیت از شعر «سجّادۀ سبز» ارتباط معنایی دارد؟
کنون که در چمن آمد گل از عدم به وجود بنفشه در قدم او نهاد سر به سجود

میلا د آدم

نفره زد عشق که: «خونین جگری پیدا شد»
حُسن لرزید که: «صاحب نظری پیدا شد»
فطرت آشفت که: «از خاک جهان مجبور
خودگری، خود شکنی، خودنگری پیدا شد»
خبری رفت ز کردون به شبتان ازل:
«حذر ای پردگیان! پرده دری پیدا شد»
آرزو بی خبر از خویش به آغوش حیات
چشم وا کرد و جهان دگری پیدا شد
زندگی گفت که: «در خاک تمیدم همه عمر
تا از این گنبد دیرینه دری پیدا شد»
اقبال لاهوری

فصل ششم

سفرنامه، حسب حال و زندگی نامه

اهداف کلی فصل :

- ۱- آشنایی با ابعاد و جنبه‌هایی از سفرنامه‌ها، حسب حال‌ها و زندگی‌نامه‌ها.
- ۲- آشنایی با نمونه‌هایی از سفرنامه، حسب حال و زندگی نامه
- ۳- آشنایی با برخی از صاحبان این نوع آثار ادبی
- ۴- تقویت توانایی دانش‌آموز در بررسی و نوشتن این نوع آثار ادبی



درآمدی بر سفرنامه، حسب حال و زندگی نامه

بسیاری از نویسندگان نکته‌سنج و ژرف‌نگر در سفر، به ثبت دیده‌ها و شنیده‌ها و تجربه‌های خود دربارهٔ مسائل گوناگون جغرافیایی، اجتماعی، فرهنگی، اخلاقی، قومی و... پرداخته و از این رهگذر، سفرنامه‌هایی ارزشمند به یادگار گذاشته‌اند. با خواندن این سفرنامه‌ها، می‌توان فرهنگ، موقعیت اجتماعی و سیاسی و جغرافیایی سرزمین‌ها را شناخت. برخی از این سفرنامه‌ها علاوه بر اینکه حاوی اطلاعات گسترده‌ای هستند از نظر شیوهٔ نگارش و زیبایی و استواری در نثر نیز اهمیت ویژه‌ای دارند.

زندگی‌نامه‌ها نیز شرح حوادث زندگی و رویدادهای عصر و اندیشه‌ها و دگرگونی‌های فکری و روحی انسان‌ها هستند که علاوه بر آشنا ساختن خوانندگان خود با شرح حال و اندیشهٔ بزرگان، علل تحوّل و دگرگونی اشخاص و جوامع را به آنان می‌شناسانند. حسب حال، گزارش نویسنده از زندگی و حالات روحی و فکری خویش و مطمئن‌ترین راه برای شناخت احوال و افکار بزرگان جامعه است.

در این فصل، با نمونه‌هایی دیگر از سفرنامه، زندگی‌نامه و حسب حال آشنا می‌شویم.